

www.ketab.ir

این اثر ترجمه‌ای است از:

Gurian Michael

A fine young man

PUTNAM

پسران نوجوان

آنچه والدین و مربیان می‌توانند انجام دهند
تا پسران نوجوان به مردانی برجسته تبدیل شوند

مایکل گوریان

مهدی قراچه داغی



نقش و نگار

Gurian Michael

گوریان، مایکل
پسران نوجوان: آنچه والدین و مربیان می توانند انجام دهند تا پسران نوجوان به مردانی برجسته تبدیل شوند. / اثر مایکل گوریان؛ ترجمه مهدی قراچه داغی. -- تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۴

ISBN: 964-6235-93-X

۲۷۲ ص.

عنوان اصلی:

A fine young man: what parents, mentors and educators...1998.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا.

۱. پسران. ۲. پسران -- روانشناسی. ۳. پسران نوجوان. ۴. پسران نوجوان -- روانشناسی. ۵. جنس مذکر. ۶. مردان -- جامعه پذیری. ۷. کودکان -- سرپرستی. ۸. والدین -- تاثیر بر فرزندان. ۹. مشاوره الف. قراچه داغی، مهدی، ۱۳۲۶-، مترجم،

ب. عنوان

۶۴۹/۱۳۲

۵پ ۹گ/ HQ۷۷۵

۱۳۸۴

۴۳۲۱۶-۸۳م

کتابخانه ملی ایران



نقش و نگار

تهران - انقلاب، ۱۲ فروردین، شهدای زاندارمیری، شماره ۲۳۴

تلفن: ۶۶۴۹۶۲۳۹-۶۶۹۵۰۷۲۵

پسران نوجوان

مایکل گوریان

مهدی قراچه داغی

لیتوگرافی: بهروز

حروفچینی: نویسان

چاپ و صحافی: آراین

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقش و نگار است.

۲۸۰۰ تومان

فهرست

۹	 مقدمه
۱۱	 پسر ها در آتش
۱۳	 سطح بعدی
۱۴	 طبیعت و مراقبت
۱۶	 یک فرصت منحصر به فرد
۲۰	 جیسون و برادرانش
۲۱	 برادران جیسون
۲۳	 شرایط پسران نوجوان در روزگار ما
۲۷	 پسران نوجوان در نظام آموزشی
۲۹	 سرشت آسیب پذیری
۳۳	 عزت نفس پسران نوجوان
۳۶	 تظاهر به شجاعت و بی پروایی و فراتر از آن
۳۸	 از پر دادن و قیافه گرفتن تا واکنش نسبت به آسیب و ضربه عاطفی
۳۹	 فشار های بعد از آسیب روانی در پسران نوجوان
۴۱	 پسران نوجوان در شوک
۴۳	 حراست از زندگی احساسی و عاطفی پسران
۴۶	 بی توجهی احساسی و عاطفی پسران نوجوان ما
۴۸	 بیولوژی جنس مذکر و وضع نامساعد احساسی و عاطفی
۴۸	 پسر های نوجوان
۷۰	 راه جبران نقطه ضعف عاطفی پسر نوجوان

مقاومت در برابر آموزش بیولوژیکی	۷۳
شیوه دوستی مردانه	۷۵
آسیب‌های عاطفی، کمبودهای عاطفی و پسر نوجوان شما	۷۸
قدم بعدی	۸۱
دوران تعیین‌کننده	۸۴
تعریفی دوباره از هدف پسر نوجوان	۸۸
نظام تعلیم و تربیتی جنس مذکر	۹۵
برنامه سه مرحله‌ای برای آنکه پسران نوجوان را به مرد تبدیل کنیم	۱۰۲
ارزش رنج کشیدن	۱۰۴
مرحله ۱	۱۰۶
نوجوانی می‌تواند از نه سالگی شروع شود	۱۰۸
سال‌های تعیین‌کننده	۱۱۰
از یک پسر بچه نوجوان در دوران پیش از بلوغ	۱۱۱
چه انتظاری داشته باشیم	۱۱۱
از پسرهای نوجوان در جریان بلوغ جنسی	۱۱۷
چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم	۱۱۷
چگونه می‌توانیم پسرهای مرحله ۱ را به مردانی استثنایی تبدیل کنیم	۱۳۰
اوج و حضیض میزان تستوسترون	۱۳۱
تغییرات روانی در پسرهای مرحله ۱	۱۳۳
راه‌های عبور از مرحله ۱	۱۴۰
مرحله ۲	۱۴۴
باورهای غیرواقعی درباره جوان‌ها در مرحله ۲ رشد	۱۴۷
از پسر نوجوان خود که سال‌های اواسط دوران نوجوانی	۱۴۸
را می‌گذراند چه انتظاری داشته باشیم	۱۴۸
تغییرات شناختی در اواسط دوران نوجوانی	۱۴۹
چگونه در تربیت پسری که در اواسط دوره نوجوانی	۱۵۱
به‌سر می‌برد، موفق شویم؟	۱۵۱
وقتی پرخاشگری تبدیل به خشونت می‌شود	۱۵۵

نگران کدام رفتار پسرهایمان در سال‌های اواسط نوجوانی باشیم؟	۱۵۷
پسر نوجوانی که به نظر می‌رسد رنج می‌برد و ما دلیل آن را نمی‌دانیم	۱۶۱
رشد روانی هویت، استقلال، اخلاقیات، صمیمت	۱۶۱
فراهم آوردن زمینه‌های آئین و آداب و مناسک	۱۷۱
برای پسران نوجوان مرحله ۲	۱۷۱
مرحله ۳	۱۸۰
از نوجوان واقع در مرحله ۳ چه انتظاری داشته باشیم	۱۸۲
جنگجو، هنرمند و پادشاه	۱۸۵
معنی‌دار بودن زمینه آزمون	۱۹۰
حافظان زمینه آزمون	۱۹۲
حکایت بروس	۱۹۴
رشد روانی	۱۹۵
در جست‌وجوی اخلاقیات	۱۹۸
مناسک گذر مرحله ۳	۲۰۱
پسر مدرسه‌ای ما	۲۰۶
ایده‌نولوژی‌های جنسیتی و ارزیابیهای آموزشی ما	۲۰۸
نوآوری برای آموزش دهندگان	۲۱۱
پرورش طبیعی	۲۱۶
برنامه‌های بعد از مدرسه	۲۱۹
خشونت در مدارس	۲۲۱
راه‌حل‌های ساختاری در نظام‌های آموزشی	۲۲۴
کلاس‌های درسی تک جنسیتی	۲۲۴
مدارس پسرانه	۲۲۵
سیاستهای مربوط به مدارس تک جنسیتی	۲۲۸
مذکر بودن واقعی	۲۲۹
درباره استفاده از رسانه‌ها چه می‌دانیم؟	۲۳۰
رسانه‌ها اعضای خانواده هستند	۲۳۲
چگونه بچه‌ها با شخصیت‌های رسانه‌ای پیوند برقرار می‌کنند	۲۳۳

۲۳۵	 تحریرک رسانه‌ها و مغز
۲۳۷	 آنچه خانواده‌های اول می‌توانند بکنند
۲۳۹	 برداشت جدید
۲۴۲	 پرورش جوهر مردانگی
۲۴۳	 الگوهای مردانه بودن
۲۴۴	 هسته مردانه بودن
۲۴۵	 محبت
۲۴۹	 افتخار - احترام
۲۵۳	 مسئولیت
۲۵۶	 کارکردن
۲۶۱	 استحکام شخصیت ده‌گانه
۲۶۲	 استحکام شخصیت اجدادی
۲۶۴	 استحکام شخصیت روانی
۲۶۵	 استحکام شخصیت اجتماعی
۲۶۶	 استحکام شخصیت معنوی
۲۶۶	 استحکام شخصیت اخلاقی
۲۶۷	 استحکام شخصیت عاطفی
۲۶۷	 استحکام شخصیت جنسی
۲۶۷	 استحکام شخصیت نکاحی
۲۶۸	 استحکام شخصیت جسمانی
۲۶۸	 استحکام شخصیت عقلی
۲۷۰	 کلام آخر

مقدمه

اوایل دهه ۱۹۷۰ در دورانگو کلورادو، یکی از شهرهای کوچک و زیبای راکیز، به سن پانزده سالگی رسیدم. بهترین دوستم پسر هم سن و سال خودم به اسم استان بود که اسرارم را با او در میان می گذاشتم و وقت قابل ملاحظه‌ای را با هم صرف می کردیم. کمی آنطرف‌تر از محل سکونت ما زمینی خالی بود که در آن رد لاستیک دوچرخه به وفور دیده می شد. ما این اثر چرخ‌های دوچرخه را خیلی خوب می شناختیم. زمین، اثر چرخ دوچرخه‌ها، درختها، چاله‌های پر از آشغال در آن سال‌های پر شور نوجوانی، در حکم بهشت بود.

من و استان دو پسر معمولی بودیم. درباره دخترها اطلاع چندانی نداشتیم، هر چند به شکل دیگری وانمود می کردیم. در پانزدهمین سالروز تولدم در حالی که روی دوچرخه‌هایمان استراحت می کردیم به زمین خالی نگاهی انداختم و گفتم "پانزده ساله هستم. نه بزرگ شده‌ام و نه یک بچه هستم. پس چی هستم؟" استان جوابی برای سؤال من نداشت. کسی را هم سراغ نداشتیم که بتواند به این سؤال من جواب دهد.

در آن زمان پدر و مادرم را به خوبی نمی شناختم، آنها هم مرا به خوبی نمی شناختند. درباره یکدیگر اطلاعات چندان زیادی نداشتیم و با بهتر بگویم اطلاعات درستی نداشتیم. با هم درباره مسائل عمیق زندگیمان بحث نمی کردیم. بدین مرتب تغییر شکل می داد. دخترها بر من سلطه جویی می کردند و به نظر می رسید که باهوش‌تر و محکم‌تر از من هستند. انگار چیزی از من می خواستند. من و همه پسرهای دیگر سعی می کردیم خواسته آنها را برآورده

سازیم. هر چند به درستی نمی دانستیم که از ما چه می خواهند. چند نفری که از من بزرگ تر بودند با من حرف می زدند. پدر و مادرم اغلب با پدربزرگ و مادربزرگم که در سمت دیگر کشور زندگی می کردند، در نزاع و اختلاف به سر می بردند. در آن زمان که حرف بزرگ ترها خریداری نداشت و بوی کهنگی می داد. بزرگ ترها و از جمله پدر و مادرم، به صورت ناخودآگاه، حامل پیام هایی برای من بودند. از پیام آنها این گونه برداشت می کردم پسرهای وقتی به سن نوجوانی می رسند، می خواهند به حال خودشان گذاشته شوند. در این زمان کار پدر و مادرها تقریباً تمام شده است.

دوستان هم سال من آموزگاران زندگی می شدند. با آنها به سرعت رانندگی می کردم، درد را احساس می کردم و به چیزهایی مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی که به من احساس آرامش می داد پناه می بردم. این گونه احساس مهم بودن می کردم. تظاهر به شجاعت کرده و به استقبال خطر می رفتم. دنبال چیزی می گشتم که مرد بودنم را ثابت کنم. پیامدهایش برایم مهم نبود.

فکر می کنم من نوجوان به خصوصی بودم. در حالی که ظاهراً باید در پانزده سالگی وانمود می کردم به پدر و مادر و بزرگ ترهایم احتیاجی ندارم، مایوسانه به آنها احتیاج داشتم. وقتی علیه، بزرگ ترها و جامعه، علم شورش برمی داشتم نمی خواستم آنها مرا از قلمرو خود برانند.

در حالی که نمی دانستم چگونه درباره احساساتم به خوبی حرف بزنم، زندگی را در تمام وجودم احساس می کردم. دوست داشتم خودکفا به نظر برسم. در تمام لحظات بیداری نگران آن بودم که چگونه به اندازه کافی خوب باشم.

در حالی که پیوسته خواهان مهر و عشق بودم، می خواستم به همه دنیا ثابت کنم که بدون آن هم امورم می گذرد. در حالی که به راحتی خشمگین می شدم و زمانی که از پدر و مادرم می ترسیدم نمی گفتم: "از شما متنفرم"، بلکه در واقع می گفتم "آن قدر می ترسم که نمی توانم احساسم را بازگو کنم".

در حالی که وانمود می‌کردم یک مرد هستم در واقع هنوز یک کودک بودم. تا مدتی بعد که به دوران بلوغ و بزرگی رسیدم متوجه نشدم که در جامعه مدرن ما مشکلاتی متوجه پسرهای نوجوان است. وقتی به دوران میانسالی رسیدم دانستم که در جامعه ما پسرهای نوجوان با مشکلات اساسی روبه‌رو هستند و زمانی که فرهنگ‌های دیگر را مطالعه کردم درباره این مشکل اطلاعات بیشتری به دست آوردم و وقتی به آمریکا بازگشتم تصمیم گرفتم درباره پسرها تحقیق بیشتری بکنم و این زمانی بود که به عنوان یک روان درمانگر، یک آموزش‌دهنده و یک مشاور شروع به کار کردم.

اجازه بدهید نظر خودم را این‌گونه مطرح کنم: ما درباره رشد پسرهای نوجوان اطلاعات چندانی نداریم، بنابراین نمی‌توانیم مهر و عشقی را که آنها بدان احتیاج دارند تا به مردانی مدبر، مهرورز و مسئول تبدیل شوند بدهیم و این مسأله در دهه‌های گذشته نه تنها بهتر نشده، بلکه از برخی جهات بدتر هم شده است.

پسرها در آتش

در زمینه شکل‌گیری شخصیت، رشد جسمانی، فعالیت مغزی و بیوشیمیایی، هوش و فراست اجتماعی، سال‌های نوجوانی یک پسر، به واقع سال‌هایی هستند که او قدرت می‌یابد در صدد جستجوی هویت و توانایی برای گذران زندگی، برآید. در واقع در سالروز تولد پانزده سالگی‌ام باید به استان می‌گفتم: "من در آتش هستم، پالایشگرهای این آتش کجا هستند؟" من پدر و مادر و آموزگارانم را به مبارزه دعوت کرده بودم. به آنها گفته بودم: "مرا به حال خود وامگذارید، مرد شدن را به من بیاموزید."

من با کلمات آشنا نبودم. اغلب پسرهایی هم که من و شما آنها را می‌شناسیم و دوستانشان داریم این کلمات را نمی‌شناسند. از این رو من و شما که به پسرانمان علاقه‌مندیم دور هم جمع می‌شویم تا کلمات مورد نیازشان را برای

آنها تدارک ببینیم و راهی پیدا کنیم و پیش رویشان قرار دهیم. ما دور هم جمع می‌شویم تا به آنها کمک کنیم آتش خود را پالایش کنند. نوشتن کتاب حاضر جز این دلیلی ندارد.

من سهم بزرگی از زندگی شغلی و حرفه‌ای‌ام را صرف مطالعه درباره پسرها و مردها کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که اگر والدین، مدرسين و مربیان، پسرانشان را پالایش نکنند، جسم، روح، روان، احساسات، عواطف، معنویات و زندگی اجتماعی تمام مردان جوان در شعله‌های آتش خواهد سوخت. بعضی از این شعله‌ها را در مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رفتارهای خلاف قانون، آدم‌کشی و بزه‌کاری، مصرف مواد استروئیدی، اعتیاد به رسانه‌ها، ناتوانی در یادگیری، اختلالات مغزی و مشغله ذهنی درباره دخترها شاهد هستیم. موارد دیگری هم هستند که به این راحتی دیده نمی‌شوند و به دید عمیق‌تری نیاز دارند. این شعله‌ها در دوران میانسالی مردها، خودشان را نشان می‌دهند و این زمانی است که شعله‌های آتش بی‌آنکه آنها متوجه باشند بخشی از وجود آنها را بلعیده است.

با آنکه سال‌های نوجوانی بسیار مهم و تعیین‌کننده هستند، ما به عنوان والدین و مسؤولان مراقبت از آنها کمترین توجه را به آنها می‌کنیم. درباره آنها کتاب‌های کمتری می‌نویسیم، مقالات کمی به چاپ می‌رسند. و برنامه‌های تلویزیونی کمتری ساخته می‌شود. اصولاً ما درباره دوران طفولیت و شیرخوارگی پسرها، دوران میانسالی و دوران پیری آنها، علم و اطلاع بیشتری داریم.

همان‌طور که در فصل نخست این کتاب توضیح داده‌ام این بی‌دقتی باعث شده که پسرهای نوجوان به بی‌هویت‌ترین اقشار جمعیت ما بدل گردند. شرایط آنها به مراتب از زمانی که من و شما نوجوان بودیم بدتر است. لذا موقعیت پسران نوجوان بسیار حساس‌تر است.

پسران نوجوان امری در مقایسه با دوران نوجوانی ما به خود و به دیگران

بیشتر لطمه می‌زنند. در مقایسه با یک نسل قبل به پسرهای نوجوان امروزی کمتر توجه می‌شود. وسوسه‌های فرهنگی افزایش و آداب درست‌کاری و روش‌های محترم بودن کاهش یافته‌اند. در حالی‌که نوجوانان امروز در مقایسه با دوران کودکی ما، الگوهای بیشتر و متنوع‌تری دارند، تنها معدودی به آنها توجه می‌کنند. توجه به سکس و فعالیت جنسی بیش از هر زمانی نوجوانان ما را در برگرفته است و با این حال پسرها هرگز در زمینه‌های جنسی راهنمایی نمی‌شوند. ساختارهای اجتماعی که پسران را به زندگی شرافتمندانه فرا می‌خواند، کم‌کم از بین می‌روند و به پسرهای نوجوان احساس وظیفه، دانستن هدف و معنا در زندگی آموزش داده نمی‌شود. نظام خانواده و اجتماع، جای خود را به پیام‌های مبهم فرهنگی که از سوی شخصیت‌های رسانه‌ای فرستاده می‌شوند، داده‌اند، به همین دلیل دیگر پسرها رابطه صمیمانه‌ای با آنها برقرار نمی‌کنند. آنها تمنیات خود را با جامعه در میان می‌گذارند، اما اغلب به شکلی که لازم است، مورد مهر و عشق واقع نمی‌شود.

سطح بعدی

به دلایل متعددی، فرهنگ کنونی ما باید به مسأله پسرهای نوجوان و تکامل آنها، بپردازد. عکس روی جلد شماره پائیز مجله نیوزویک در سال ۱۹۹۷، یکی از همین قبیل مشکلات را به خوبی نمایان می‌سازد. عکس متعلق به دختر بچه‌ای شش یا هفت ساله با موهای بور بود که با چشمانی پر فروغ به مکعب قرمز و سفیدی که محکم در دست داشت، می‌نگریست. عنوان عکس این بود: کودکانی که قادر به یادگیری نیستند. و در ادامه این سؤال مطرح شده بود: چه عواملی موجب اختلال در یادگیری می‌شوند و چگونه می‌توانید در این زمینه به کودک خود کمک کنید؟ عکس بسیار تأثیرگذار بود و احساسات میلیون‌ها خواننده را به طرز خاصی برانگیخت. اعتراف می‌کنم که وقتی آن را دیدم، با تمام وجود برای دخترانم احساس نگرانی کردم. هنوز هم هرگاه به آن عکس

نگاه می‌کنم، عمیقاً متأثر می‌شوم.

مسأله‌ای در این تصویر عجیب می‌نماید تصویری از یک دختر است. در حالی که اکثریت کودکانی که دچار ناتوانی یادگیری هستند، را پسرها تشکیل می‌دهند؛ آماری تخمینی نشان می‌دهد که $\frac{2}{3}$ کودکانی که در مدارس استثنایی درس می‌خوانند، پسرها هستند. زمانی که آموزگار وارد کلاس کودکانی که دچار اختلال در یادگیری هستند، می‌شود، می‌بیند که بیشتر دانش‌آموزان این کلاس، پسرها هستند. با این حال روی جلد، عکس یک دختر بچه معلول به چاپ می‌رسد، زیرا این تصویری است که احساس همدلی بیشتری را برانگیخته و در نتیجه توجهات زیادتری را به سوی خود جلب می‌کند. به تصویر کشیدن آسیب‌پذیری و معلولیت یک پسر، چه اندازه دشوارتر است؟ به خصوص پسران نوجوان؛ حتی در برخی موارد، پسرها در موقعیت‌های اندوه‌بارتری قرار می‌گیرند و به کمک بیشتری نیاز دارند.

روی جلد مجله نیز و یک احتمالاً اشاره‌ای به نسبت امار مشکلات یادگیری در دخترها و پسرها ندارد و مقایسه‌ای هم در این خصوص به دست نمی‌دهد. اما اشاره به موضوعی دارد که ما در این کتاب به تفصیل درباره‌اش بحث می‌کنیم. اینکه جامعه و تمدن ما به شکنندگی فرزندان مذکرش توجه ندارد. همان شکنندگی که من هم در دوران نوجوانی خود داشتم و جامعه و اطرافیان آن را درک نکرده و نسبت به آن بی‌توجه بودند. همین شکنندگی است که پسران نوجوان ما اکنون با رفتارهای غریب خود از ما طلب می‌کنند. در این کتاب به این موضوع می‌پردازیم. و به این که هر کدام از ما در این خصوص چه می‌توانیم بکنیم.

طبیعت و مراقبت

فرهنگ و بیولوژی پسران نوجوان

درک رشد پسر نوجوان به عمیق‌ترین شکل ممکن، بستگی زیاد به درک

بیولوژی وی دارد. نوجوانی دوره یک تغییر فیزیولوژیکی شدید است. مغز و ترشح هورمون‌های جنسی و فیزیولوژیایی در دهه دوم زندگی پسرها شکل پدیده‌ای دارد. در این کتاب به رشد طبیعت نوجوان در خانه، مدرسه و یا حتی در خیابان توجه کرده‌ایم. برخی از مطالبی که در این کتاب می‌خوانید اسباب حیرت شمارا فراهم خواهد ساخت. هرگز در گذشته تا این اندازه درباره رفتار پسرها مطلب نخوانده‌اید.

روش من در بررسی‌های بیولوژیکی و عصب‌شناسی از سبک و سیاق خاصی برخوردار است. وقتی مطلبی را در زمینه بیولوژی کشف می‌کنم تا زمانی که درباره علت ایجاد آن تحقیق نکنم و از کاربرد آن نه تنها در آمریکا، بلکه در سایر نقاط جهان مطمئن نشوم، و صحت آن از طریق تجربیات شخصی و حرفه‌ای که در زمینه پسران نوجوان داشته‌ام بر من ثابت نشود، آن را به عنوان یک واقعیت نمی‌پذیرم. با استفاده از این روش سعی می‌کنم دانش پزشکی، روانشناسی، انسان‌شناسی و مشاهدات شخصی را در کنار هم مورد استفاده قرار بدهم.

به همان جدّیت که به بررسی موضوعات بیولوژیکی می‌پردازیم، درباره فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی (شاخه فرهنگ‌هایی) که پسرها در شرایط آن زندگی می‌کنند نیز بحث خواهیم کرد. از بازی‌های ویدئویی تا نوع لباسی که می‌پوشند، از دوستان هم سن تا فیلم‌های سینمایی که تماشا می‌کنند، همه و همه مدّ نظر ما قرار می‌گیرند و هیچ جنبه فرهنگی مربوط به پسران نوجوان را نادیده نمی‌گذاریم.

با استفاده از دانشی که درباره طبیعت و مراقبت از پسرهای نوجوان در اختیار داریم سعی می‌کنیم به سؤالاتی از این قبیل جواب بدهیم:

- یک مادر چگونه برای پسران نوجوان خود، محدودیت‌هایی ایجاد

می‌کند؟

- چه زمانی را برای مرد شدن پسرهای نوجوان در نظر می‌گیریم؟

- چگونه به آنها می‌آموزیم تا افراد بالغ متعهدی باشند؟
 - اگر پسر نوجوان من ورزش را دوست نداشت، چه باید بکنم؟
 - عزت نفس پسر نوجوانم چگونه شکل می‌گیرد؟
 - بازیهای ویدیویی، برنامه‌های تلویزیونی و اینترنت چه تأثیری بر پسران من می‌گذارند؟

- چرا پسر نوجوانم دوست ندارد با من حرف بزند؟ یا برعکس چرا پسر نوجوانم این همه حرف می‌زند؟

- میان پسر نوجوانم و پدرش چه می‌گذرد؟

به این توجه می‌کنیم که ساختار عاطفی پسر نوجوان چگونه رشد می‌کند، وی از چه راه‌هایی خود را با گروه‌های اجتماعی انطباق می‌دهد، چگونه می‌توان محبت کردن را به او آموخت؛ با تغییرات احساس امنیت عاطفی او در سطح خانواده چگونه روبه‌رو شویم؛ چه باید بکنیم که او به موجودی پر محبت، دوست‌داشتنی و مسئول تبدیل شود. برخی از بهترین علم و اطلاعات من درباره پسرهای نوجوان از ابداعات و نوآوری‌های خانواده‌های آنها حاصل شده است. در این کتاب به بسیاری از این اشخاص اشاره کرده‌ایم. با سنت‌ها و فرهنگ‌های سایر اقوام هم آشنا می‌شویم. من در هند، ترکیه، آلمان و بسیاری از نقاط دیگر شاهد بزرگ شدن پسران بوده‌ام و به این تجربیات شخصی مطالعه درباره بیست فرهنگ دیگر را هم افزوده‌ام. ما می‌توانیم بدون آرمان‌سازی درباره هر یک از این فرهنگ‌ها، اطلاعات جامعی درباره رشد پسرهایمان در بحبوحه چالش‌های روزمره نوجوانان به دست آوریم.

یک فرصت منحصر به فرد

یکی از بزرگترین درس‌هایی که مشاوره، تجربه شخصی و مطالعاتم به من آموخته‌اند این است که ما به عنوان والدین، مربی و آموزگار جوانان، در موقعیت منحصر به فردی از تاریخ انسانی قرار گرفته‌ایم. نه پنجاه سال قبل و نه

پانصد سال قبل نوجوانان فرصتی را که امروزه با آن روبه‌رو هستند، تجربه نکرده‌اند.

در یکصد سال گذشته و به خصوص در سی سال گذشته آموخته‌ایم که زندگی و نقش‌های دختران نوجوانان را مورد ارزیابی مجدد قرار بدهیم. من امیدوار هستم در حالی که این کتاب را می‌خوانید به اتفاق من به ارزیابی مجدد پسران نوجوانان بنشینید. همچنین امیدوارم به این نتیجه برسید که هر جا ما آینده پسرها و دخترهایمان را با هم مقایسه می‌کنیم، از میزان انتظارات و توقعات خود می‌کاهیم. در هر کاری که می‌کنیم باید از رودرو قرار دادن دخترها با پسرها، و زن‌ها با مردها اجتناب کنیم.

وقتی به ارزیابی پسرهای نوجوان می‌نشینیم، وقتی درباره خانواده و مدارس حرف می‌زنیم، وقتی به موضوع توجه و مراقبت از مردان جوان خود می‌پردازیم، هدیه عشق را برای پسرهای نوجوانان آماده کرده‌ایم: اجازه پیدا کردن یک مرکز معنوی، احساسی و اخلاقی تا به کمک آن در چرخه زندگی حضور یابند. امیدوارم وقتی پسران سوار دوچرخه‌اش حرکت می‌کند، در کلاس درس نشسته است یا با کامپیوترش بازی می‌کند و یا سرگرم تماشای تلویزیون است یا با شما سر میز غذا می‌خورد به این فکر نکند آیا می‌تواند به یک جوان خوب تبدیل شود؟